



## نامه های امامان شیعه از عصر امام کاظم (ع) تا آغاز غیبت کبری

پدیدآورده (ها) : فروهی، آرزو؛ چلونگر، محمد علی؛ مومنه، سمیه  
تاریخ :: پژوهشنامه تاریخ تشیع :: بهار 1396 - شماره 1 (علمی-پژوهشی)  
از 75 تا 88  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1297549>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان  
تاریخ دانلود : 26/07/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## نامه‌های امامان شیعه از عصر امام کاظم تا آغاز غیبت کبری

آرمان فروهی<sup>۱</sup>

محمدعلی چلونگر<sup>۲</sup>

سمیه مومنه<sup>۳</sup>

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۷۵

### چکیده

ائمه شیعه به تناسب حال و مقام از راه‌های متعددی چون خطبه‌خوانی، حلقه‌های وعظ و نامه‌نگاری به انتقال مفاهیم و آموزه‌های اسلامی می‌پرداختند. تا عصر امام کاظم امکان ارتباط مستقیم و بی‌واسطه امامان با شیعیان تا حدی وجود داشت؛ اما با افزایش فشارهای سیاسی دستگاه خلافت بر شیعیان و به سبب پراکندگی پیروان ائمه در مناطق مختلف ارتباط حضوری و گفت‌وگوی شفاهی شیعیان با امامان جای خود را به مکاتبات و نامه‌نگاری داد. تقریباً از عصر امام کاظم به بعد نامه‌نگاری به یکی اصلی‌ترین شیوه انتقال مفاهیم و آموزه‌های دینی تبدیل شد. سؤال اصلی پژوهش این است که نامه‌های ائمه خطاب به شیعیان از دوره امام کاظم تا آغاز غیبت کبری، از چه ویژگی‌های محتوایی، ساختاری و ادبی برخوردار بوده است؟ تأمل در این متون، که در آستانه عصر غیبت صغری تنها ابزار مکتوب امامان برای حفظ ارتباطشان با شیعیان بوده، نشان می‌دهد که آنان از هر حیث جانب احتیاط را رعایت می‌کردند تا آسیبی به مخاطبان نرسد و از همین‌رو استفاده از آرایه‌هایی چون استعاره و کنایه در این نوشته‌ها معمول بوده است. به لحاظ مضمون نیز این نامه‌ها حاوی آموزه‌های اصیل اسلامی، خاصه مفاهیمی چون امامت عامه و امامان، غیبت امام، احکام شرعی و نکوهش غالیان بوده است.

### کلیدواژه‌ها

تعامل امامان با شیعیان، توقیع، عصر غیبت، ناحیه مقدسه، نامه‌نگاری.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). Arman.Forouhi@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. M.Chelongar@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان. Somayehmomeneh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۲۶

### مقدمه

سابقه نامه‌نگاری توسط امامان شیعه به عصر امام اول شیعیان علی بن ابی‌طالب می‌رسد. مخاطب اغلب نامه‌های امام علی، کارگزاران او و نیز معاویه بوده‌اند. پس از آن در دوره امامان بعدی تا امام صادق نیز نامه‌نگاری معمول بوده است. در برهه‌های بعدی حیات ائمه، به‌ویژه در عصر تقیه امکان ارتباط مداوم و حضوری امام و شیعیان با شدت و ضعف همراه بود و مطمئن‌ترین راه برقراری ارتباط، نامه‌نگاری بوده است. در واقع افزایش خفقان سیاسی ضرورت تقیه را نیز موجب می‌شد. نامه‌نگاری و ارتباط غیرمستقیم با امام توسط وکلا از شیوه‌های انتقال مفاهیم در دوره تقیه بوده. البته در زمان امام رضا با کاهش خفقان سیاسی، شیوه مناظره نیز کاربرد پیدا کرد. پس از امام رضا تا غیبت کبری از جمله راه‌های ارتباطی و هدایت‌بخشی امامان نامه‌نگاری بود. متن کامل هیچ‌یک از این نامه‌ها که به خط امامان باشد، به ما نرسیده است و اطلاعات ما از محتوای نامه‌ها به نقل‌هایی باز می‌گردد که در کتب حدیثی و در بیان برخی احادیث آمده است.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۷۶

### پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به کتاب سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، نوشته جباری اشاره کرد. بخشی از این کتاب به نقش ارتباطی سازمان وکالت با شیعیان از طریق نامه‌نگاری اشاره شده است. همچنین احمدی میانجی در کتاب مکاتیب الائمه سعی کرده است مکتوبات منسوب به ائمه از جمله نامه‌ها را گرد آورد. هرچند مؤلف با جمع‌آوری نامه‌های ائمه در کنار یکدیگر، اثر ارزشمندی را به یادگار گذاشته، ولی به مؤلفه‌های محتوایی و ادبی آنها نپرداخته است. در پایان‌نامه ناظم با عنوان سیر بحث امامت در نامه‌های ائمه، تطورات جایگاه امامت، نشانه‌ها و مفهوم علم امام در نامه‌های ائمه محور مباحث بوده و در آن به ویژگی‌های ساختاری و اسلوب نامه‌ها اشاره نشده است.

### پنهان‌نگاه داشتن نامه‌ها

به سبب تعقیب و آزار شیعیان توسط نظام حاکم، نامه‌های امامان اغلب توسط حامل آن پنهان می‌شد؛ مانند نامه محمدبن سنان به امام رضا (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۸/۴۹؛ مجلسی، ۶۶/۵۱؛ احمدی میانجی، ۶۷/۵)، یا نامه امام کاظم 7 به علی بن یقین که در آستین نامه‌رسان مخفی شده بوده است (اربلی، ۳۹/۳؛ مجلسی، ۴۸-۳۲/۴۳). در یکی از موارد امام رضا 7 دستور داده بود نامه را در غلاف شمشیر تعبیه نمایند (کلینی، ۵۱۶/۶؛ مجلسی، ۱۰۳/۴۹؛ حر عاملی، ۱۵۱/۲)؛ یا نامه امام عسکری 7 به عمری در خَشبه<sup>۱</sup> جاسازی شده بود (ابن شهر آشوب، ۴۳/۴؛ خزعلی، موسوعة الامام العسکری 7، ۴۰۷/۳).

۱. استوانه‌های چوبی

## مدت زمان و نحوه انتقال نامه

فاصله مبدأ تا مقصد برخی از نامه‌ها دور بوده و در مدت زمان طولانی نامه به مقصد می‌رسید. این مدت، در برخی نقل‌ها چند ساعت (مثلاً از صبح تا بعد از نماز ظهر، در بعضی نقل‌ها سه روز و در برخی دیگر به طور مجمل، تعبیر «بعد ایام») به کار رفته که حداقل آن، سه روز است (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۱۸۴-۱۹۵؛ جباری، ۳۱۳/۱). این زمان طولانی موجب نگرانی شیعیانی که مخاطب نامه بودند، می‌شد، مانند نگرانی‌های شیعیان طایفه بنی‌اسباط در کوفه از نرسیدن نامه امام عسکری ۷ (مسعودی، ۲۴۷). نامه‌های ارسالی از زندان نیز با تأخیر به دست مخاطبان می‌رسید؛ برای مثال پاسخ امام کاظم ۷ از زندان به نامه علی‌بن‌سوید<sup>۱</sup> پس از یک ماه به دست او رسید (کلینی، ۱۲۴/۸؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۷۶/۶؛ مجلسی، ۲۴۴/۴۸)؛ حال آن‌که نامه وی به فرزندان امام صادق ۷ در طی ۵ روز به مقصد رسید (صدوق، عیون اخبارالرضا، ۳۸؛ مجلسی، ۳۸/۴۹؛ احمدی میانجی، ۳۷۳/۴). البته در مواردی نیز، تصرفات غیبی امام موجب خرق عادت می‌شد و پاسخ‌ها در مدت بسیار کوتاهی عرضه می‌شد؛ برای نمونه، در جریان صدور توقیع<sup>۲</sup> حضرت مهدی علیه السلام در لعن شلمغانی، تعبیر روایت چنین است: «خَرَجَ عَلِي يَدَ الشَّيْخِ ابِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ ۲ فِي ذِي الْحِجَّةِ سَنَةِ اثْنِي عَشْرَةَ وَ ثَلَاثِمِائَةَ فِي ابْنِ ابِي الْعِزَّاقِرِ وَالْمَدَادُ رَطْبٌ لَمْ يَجِفْ» که حاکی از سرعت صدور توقیع و اعلام آن به شیعیان، حتی قبل از خشک شدن جوهر و نیز نشان ارتباط تنگاتنگ سفیر با ناحیه مقدسه است. این در حالی بود که شلمغانی در زندان مقتدر عباسی محبوس بود و وکلا امکان ایصال نامه را نداشتند. پس به احتمال، ایصال نامه با تصرف غیبی امام صورت گرفته است (طوسی، الغيبة، ۲۵۲ و ۱۸۷؛ جباری، ۳۱۳/۱-۳۱۴). انتقال نامه‌ها به مقاصد نزدیک‌تر به طول نمی‌انجامید، مانند نامه امام کاظم ۷ به احمدبن‌عمر حلال<sup>۳</sup> که پیش از آن که اهانت‌کننده به امام ۷ را بکشد مکتوب امام ۷ به دستش رسید و او را از این کار بازداشت (صفار، ۲۵۲؛ مجلسی، ۵۳/۴۸؛ احمدی میانجی، ۳۸۵/۴). آن دسته از نامه‌ها که به دست خط امام بود، ابتدا به دست یاران یا وکلای امامان می‌رسید و آنان نسخه‌ای از نامه را تهیه و همان نسخه را به دست مخاطب نامه می‌رساندند و بالعکس؛ مثلاً

۱. از اصحاب برجسته امام کاظم ۷ و امام رضا ۷

۲. توقیع عبارت کوتاهی است که خلیفه یا والی یا کارگزاران وی در خاتمه شکوائیه‌ها و دادخواهی‌ها و درخواست‌هایی که برایشان فرستاده می‌شد، نظر خود را در خصوص موضوع بیان می‌کردند (فاخوری، ۳۷۱). شیعیان معمولاً سؤالات فقهی، کلامی، دینی و یا مسائل و مشکلات شخصی را، در نامه‌هایی نگاشته و به وکلا و سفیران ائمه ۷ تحویل می‌دادند. آنان نیز گاه خود این نامه‌ها را به امام تحویل می‌دادند و گاهی مجموع چند نامه و چندین سؤال و درخواست را یک جا نگاشته، به محضر امام می‌رساندند. امام نیز پاسخ را در ذیل، حاشیه، پشت و یا لابه لای خطوط سؤال نگارش می‌فرمود. از این رو، اصطلاح «توقیع» درباره این گونه مکتوبات ائمه ۷ رایج شده است (جباری، ۳۱۰/۱).

۳. از محدثان برجسته و اصحاب امام کاظم و امام رضا ۸

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۷۷

نامه امام رضا 7 به حسین بن مهران ابتدا به یکی از اصحاب داده شد، سپس رونوشتی از آن را به دست او رساندند و نامه اصلی را طبق خواسته امام و بنا به ملاحظات سیاسی مخفی کردند (مجلسی، ۳۵۱/۷۸؛ احمدی میانجی، ۲۷۰/۵). نیز نامه امام جواد 7 به محمد بن حمزه غنوی ابتدا به دست علی بن مهزیار<sup>۱</sup> داده شد (کلینی، ۵۶۰/۲؛ مجلسی، ۲۰۸/۹۵). نیز چنین است نامه جعفر بن علی به امام زمان علیه السلام که به دست اصحاب ایشان رسید و آنان رونوشتی از آن را برای امام فرستادند (طوسی، الغیبه، ۱۸۵-۱۸۸؛ مجلسی، ۱۹۳/۵۳).

امامان پس از رسیدن نامه به دست مخاطب خود، از نحوه عملکرد مخاطب به اوامر موجود در نامه آگاهی داشتند و پس از وصول آن، با ملاحظات امنیتی، توصیه‌هایی همچون نگه‌داری، رونویسی یا پاره کردن نامه را داشتند. شهاب بن عبدربه پس از استقراض از امام کاظم 7 مکتوبی به دست عبدالرحمن بن حجاج<sup>۲</sup> داد تا اگر حادثه‌ای برایش روی داد، او شاهد بر آن باشد. امام 7 پس از درگذشت ابن عبدربه به عبدالرحمن دستور داد تا نامه را پاره کند (صفار، ۲۶۳؛ راوندی، ۷۱۶/۲؛ مجلسی، ۵۳/۴۸). یا قبل از آن که وثناء از امام رضا 7 بپرسد که آیا نامه‌هایش را می‌سوزاند یا نه، امام رضا 7 در مکتوبی برایش نوشت: نامه را نمی‌سوزانم، آنها را برای این که به دست غیر نیفتد پاره می‌کنم (مجلسی، ۴۰/۴۹؛ اربلی، ۹۲/۳). برخی مواقع به دستور امام 7 نامه تا زمان معینی گشوده و خوانده نمی‌شد، مانند نامه امام جواد 7 به ابراهیم بن همدانی<sup>۳</sup> که به دستور امام 7 تا زمان درگذشت یحیی بن عمران نیاستی خوانده می‌شد. این نامه پس از گذشت دو سال و بعد از درگذشت یحیی، خوانده شد (صفار، ۲۸۲؛ ابن شهر آشوب، ۵۰۲/۳؛ راوندی، ۷۱۷/۲). نیز امام جواد 7 در نامه‌ای بر امامت امام هادی 7 تأکید کرده از شیعیان خواست پس از وفاتش به آن عمل نموده از فرزندش پیروی نمایند. از آن نامه ده نسخه رونویس تهیه و به دست شیعیان داده شد (کلینی، ۳۲۴/۸؛ مفید، ۲۹۸/۲؛ مجلسی، ۱۱۹/۵۰).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۷۸

### ویژگی‌های محتوایی نامه‌های ائمه 7

ائمه : در مکتوبات خود همواره بر جهان‌بینی توحیدی و توحید عملی تأکید داشتند و به تبیین اراده خود در مسیر اراده خداوند می‌پرداختند. آنان امر امامت و هدایت خود را اذنی از سوی پروردگار می‌دانستند و پیوسته در نامه‌های خود حمد و سپاس ذات باری و ذکر صفات او را فراموش نمی‌کردند.

۱. از اصحاب برجسته و وکیل امام جواد و امام رضا 8

۲. از اصحاب امام کاظم و وکیل امام صادق 8

۳. از اصحاب امام رضا 7، امام جواد :، امام هادی : و امام حسن عسگری : بود که مدت‌ها نیز وکالت امام جواد 7 را نیز برعهده داشت.

معقله بن اسحاق به امام کاظم 7 نوشت که منجمی زمان مرگ او را معین کرده و آن زمان نزدیک است و او از این مسئله خوف داشت. امام 7 در پاسخ نوشت: «من در مقابل خوف تو به خداوند امید دارم که عمرت را زیاد کند (مجلسی، ۲۵۵/۵۸). امام رضا 7 در نامه به احمد بن محمد، در بیان آیه ۴۳ سوره نحل: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، ائمه : را اهل ذکر و تسبیح خدا معرفی کرد (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲/۲۷۴؛ مجلسی، ۱۸۳/۲۳). همچنین در این زمینه می توان به کاربرد آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز نامه اشاره کرد، مانند نامه امام کاظم 7 به هارون الرشید (حرانی، ۴۰۷؛ حر عاملی، ۱۰۳/۲۷؛ احمدی میانجی، ۳/۴۳۶۳)، نامه امام رضا 7 به فتح بن یزید جرجانی (صدوق، التوحید، ۵۶)، نامه امام جواد 7 به ابراهیم بن شعیب (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲/۴۷۰؛ مجلسی، ۶۵/۴۹)، نامه امام هادی 7 به داوود صرمی<sup>۱</sup> (حرانی، ۴۸۳؛ خزعلی، موسوعة الامام الهادی، ۳/۱۴۸)، نامه امام عسکری 7 به ابراهیم بن ادريس<sup>۲</sup> (طوسی، الغيبة، ۲۴۵؛ خزعلی، موسوعة الامام الهادی، ۳/۳۴۷)، نامه امام مهدی<sup>۳</sup> به حسن بن احمد (طوسی، استبصار فیما اختلف من الاخبار، ۲/۲۶۰). عبارتی چون «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» که در پایان نامه مانند نامه امام عسکری 7 به ابراهیم بن مهزیار (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۲/۲۷۲؛ حر عاملی، ۱۷۰/۱۱؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۹/۲۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۲۷/۲۴) آمده و عبارت «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» در نامه امام کاظم 7 به هارون الرشید (صدوق، امالی، ۵۹۹؛ حر عاملی، ۱۹۶/۱۵) نیز بازتابنده بینش توحیدی امامان است.

استناد فراوان به آیات قرآن از دیگر مضامین این نامه هاست. امام عسکری 7 هنگام خروج از زندان، این آیه را مکتوب کردند: «کافران می خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل و طعن و مسخره خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند تمام خواهد داشت» (مسعودی، ۲۵۵؛ مجلسی، ۳۱۴/۵۰). امامان شیعه : در نفی تشبیه از آیه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» استفاده می کردند. در نامه امام کاظم 7 به طاهر بن حاتم بن ماهویه<sup>۳</sup> درباره شناخت خالق (نجاشی، ۴۵۴/۱؛ برقی، ۵۱)، نامه امام رضا 7 به طاهر بن حاتم و نیز حمزه بن محمد در باب نزدیک ترین راه شناخت خدا (کلینی، ۸۶/۱)، در نامه امام هادی 7 به ابراهیم بن محمد همدانی (ابن بابویه، التوحید، ۱۰۰؛ کلینی، ۳۳۱/۱؛ مجلسی، ۲۹۴) و در نامه امام حسن عسکری 7 به سهل بن زیاد<sup>۴</sup> به همین آیه استناد شد (صدوق، التوحید، ۱۰۲؛ کلینی، ۱۳۸/۱).

۱. از اصحاب امام هادی و امام رضا 8

۲. از اصحاب امام مهدی<sup>۳</sup>

۳. از اصحاب امام کاظم 7

۴. از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری :

## پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۷۹

تکریم مخاطب نیز در نامه‌های امامان 8 به چشم می‌خورد؛ البته امامان 8 از نحوه عمل به محتویات آن آگاه بودند و در بعضی نامه‌ها انگیزه و مقصود اصلی مخاطب را نیز بیان می‌کردند، مانند نامه اقرع به امام عسکری 7 (کلینی، 509/1؛ اربلی، 303/3؛ مجلسی، 290/50).

### شیوه پاسخ نامه‌ها توسط ائمه

پاسخ به ناگفته‌ها و ذهنیات افراد: احمد بن محمد بن ابی نصر<sup>۱</sup> هنگام نوشتن مسائلی در نامه به امام کاظم 7، می‌خواست پرسش‌هایی درباره این سه آیه از قرآن مطرح کند که فراموش کرد آنها را در نامه قید کند: «پس آیا تو می‌توانی کران را شنوا کنی، یا نابینایان و کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راه نمایی؟» (سوره زخرف، آیه ۴۰)؛ «پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید، دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید» (سوره انعام، آیه ۱۲۵)؛ «درحقیقت تو هر که را دوست داری نمی‌توانی راه‌نمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راه‌نمایی می‌کند»- (سوره قصص، آیه ۵۶). امام 7 در پاسخ، به این آیات اشاره کرده در مورد آنها توضیح داد (طوسی، الغیبة، ۷۱؛ ابن شهر آشوب، 337/4؛ مجلسی، 48/49). نیز فردی از فرقه واقفیه به نام بزنی در امامت امام رضا 7 تردید داشت و در نامه خود از آن سخنی به میان نیاورد؛ امام رضا 7 در پاسخ نوشت: «مهم‌تر از مسائلی که در نامه نوشتی، آن سخنی بود که فراموش کردی بنویسی و در ذهن توست» (راوندی، 662/2؛ مجلسی، 48/49). امام جواد 7 نیز به سؤال نانوشته محمد بن فضیل صیرفی در نامه خود پاسخ داد (راوندی، 387/1؛ مجلسی، 53/50). نیز موسی بن جعفر بغدادی به توصیه محمد بن مهزیار، قسمتی از نامه را سفید و نانوشته گذاشت و نام خودش را نیز ذکر نکرد، اما امام هادی 7 در پاسخ، نام و حاجت قلبی او را در جای سفید نوشت (طوسی، اختیار معرفة الرجال، 540). امام عسکری 7 هم در نامه به شاهی بن عبدربه علاوه بر دادن خبر آزادی برادر او از زندان نوشت «جملاتی را هم که از قلم انداخته بودی خواندم» (ابن شهر آشوب، 438؛ مجلسی، 288/49).

**اختصار در پاسخ:** اغلب نامه‌های فقهی امامان : در پاسخ به شبهات فقهی، بسیار مختصر است؛ امام کاظم 7 نامه حسن بن علی بن یقین در مورد لباس نمازگزار را در یک کلمه خلاصه نمود (طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، 388/1؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 215/2؛ حر عاملی، 397/4؛ مجلسی، 206/83) برخی از نامه‌های ارسالی به امامان نیز، تنها حاوی یک سؤال است، مانند نامه احمد بن هلال<sup>۲</sup> به امام عسکری 7 در باب غسل (طوسی، تهذیب الاحکام، 145/1؛ طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، 120/1؛ حر عاملی، 252/2؛ فیض کاشانی، 416/4).

۱. از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد :

۲. از اصحاب امام هادی 7 و امام حسن عسکری 8

**تأخیر در پاسخ.** در زمینه تأخیر در پاسخ نیز می‌توان به پاسخ با تأخیر امام کاظم 7 به سؤال هشام بن حکم<sup>۱</sup> درباره خرید کنیز اشاره کرد چراکه امام 7 از مرگ قریب الوقوع او آگاه بود (اربلی، ۳۳/۳؛ صفار، ۲۶۳). امام رضا 7 بنا به مصالح و دلایل سیاسی و آگاهی از انگیزه مأمون در نامه دعوت امام 7 به خراسان و ولایتعهدی ایشان، پاسخ او را بسیار با تأخیر فرستاد (کلینی، ۴۸۸/۱؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۴۹/۲).

**عدم پاسخ یا پاسخ غیرمستقیم:** گاه امامان به دلیل آگاهی از مقصود سوء نویسندگان، به نامه پاسخ نمی‌دادند. امامان متأخر سعی در آماده‌سازی شیعیان برای پذیرش مسئله غیبت امام و فرج داشتند، تا آن‌جا که اتفاقات قریب الوقوع و گشایش‌ها در آینده را به فرج تعبیر می‌کردند، مثلاً امام حسن عسکری 7 در نامه خود به جمعی از شیعیان نوشت: «سه روز بعد فرج برای شما فرا می‌رسد» (طوسی، الغیبة، ۲۰۸؛ اربلی، ۴۱۶/۲).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۸۱

**پاسخ شفاهی:** نامه‌های حاوی سؤالات و یا درخواست‌های شفاهی شیعیان به حضرت مهدی علیه السلام، معمولاً از طریق صدور توقیعات، پاسخ داده می‌شد، ولی در مواردی، طبق مصالح، پاسخ به صورت شفاهی، از سوی سفیر یا خادم حضرت به سؤال‌کننده عرضه می‌شد؛ برای نمونه، در جریان شفا یافتن «سرور اهوای» به دعای ناحیه مقدسه، آمده که پس از درخواست پدر و عمومی وی از حسین بن روح مبنی بر طلب دعا از حضرت حجت علیه السلام برای باز شدن زبان وی، «ابن روح» بدون تأمل گفت: شما مأمور شده‌اید که به حائر (حسینی) بروید و پس از رفتن به حائر، وی شفا می‌یابد (طوسی، الغیبة، ۱۸۸). همچنین به اعلام شفاهی نصب «حسین بن روح» به جانشینی سفیر، توسط «محمد بن عثمان عمری» به گروهی از بزرگان شیعه می‌توان اشاره کرد (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۵۰۳). نیز از همین گونه است ارسال شفاهی پیام حضرت مهدی علیه السلام به شخصی به نام «عقیقی» (همو، ۵۰۵). در مواردی، شخص سؤال‌کننده معجزه‌آسا صدایی می‌شنید و پاسخ مشکل خود را بدین گونه اخذ می‌کرد، بی آن‌که صاحب صدا را ببیند؛ برای نمونه، می‌توان به نقل صدوق از «عاصمی» درباره فردی اشاره کرد که در مورد واسطه‌ای که بتواند وجوه شرعی را از طریق او به حضرت حجت علیه السلام برساند در حیرت و تردید بود، که ناگاه صدای هاتقی را شنید که می‌گفت: «آن-چه را همراه داری به حاجز تحویل ده». ولی در مورد فردی دیگر به نام «ابومحمد سروی»، همین پاسخ به صورت مکتوب داده شد (همو، ۴۹۸؛ جباری، ۲۴۷/۱).

۱. از اصحاب امام صادق و امام کاظم 8 و از دانشمندان معروف شیعی در قرن دوم هجری که صاحب تألیفات بسیار در حوزه فقه، حدیث و کلام بوده است.



**استفاده از عناوین مستعار:** نام اصلی ائمه و کنیه آنها در مکاتبات، تا زمان امام جواد 7 در نامه‌ها آمده است، اما به دلیل فشار سیاسی حاکم و آزار شیعیان، امامان بعدی اغلب نام اصلی خود و یاران خاص خود را در نامه ذکر نمی‌کردند و از کنیه و القاب و اسامی مستعار استفاده می‌نمودند. گاه در نامه به وکلا سفیر هم گفته می‌شد، مانند سلیمان بن حسن که نام مستعارش در مکاتبات زراری بود و با امام دهم 7 در مورد امور کوفه و بغداد مرتباً در مکاتبه بود (خزعلی، موسوعة الامام الهادی، ۱۵۲/۳).

نام‌های متعددی که برخی از امامان اطلاق می‌شده اینهاست:

نام امام هادی 7 ← ابوالحسن - الرجل - الفقیه - الطیب - العسکری - الشیخ

نام امام عسکری 7 ← ابومحمد - الرجل - السلطان - المسکین

نام امام مهدی 7 ← ابوالقاسم - امام المختفی - صاحب الناحیه

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۸۲

**بیان برخی مطالب در قالب دعا:** به لحاظ شرایط اجتماعی و سیاسی که در آن امامان شیعه : به‌طور علنی امکان موضع‌گیری در برابر حاکمیت ظالم زمان نداشتند، دعا فرصتی بود که امامان آن در ایام تقیه در پیشبرد اهداف خود بهره می‌بردند. اوج کاربرد آن در زمان امام سجاد 7 بود. امام رضا 7 در نامه به محمد بن فضیل (صفار، ۲۵۲؛ راوندی، ۶۶۳/۲؛ مجلسی، ۴۷/۹۷) می‌نویسد که سلاح پیامبر 9 نزد ماست. برخی از موالی در مورد اوضاع وخیم سیاسی به امام عسکری 7 نامه نوشتند؛ نامه را عبدالله بن جعفر حمیری<sup>۱</sup> در زندان به امام رساند و او در پاسخ، در قالب دعا سیاست حاکم را تشریح و آنان را به صبر سفارش نمود: «ای عبدالله، رقعہ را با نام حسین 7 آغاز کن و بنویس ملک از آن خداست، او که منان است و رحم کننده بر اشک‌ها، اشک‌هایی که زبان را به مشغله نیندازد. از بنده فقیر مسکین ضعیف به سوی تو، که احکم الحاکمین و عادلترین داورانی؛ دستم را بگیر که ستمگران در زمین تو بلندپایه گشته‌اند و در بلاد مسخر شده‌اند و از مسلمانان مالیات گرفتند و ذوی الحقوق را از حق خود منع کردند و آن را در راه لهو و لعب صرف نمودند. دینم را با بی‌نیازی ات نگاه دار و کمکم کن تا امانت (امامت) را حفظ کنم. مرا از بلایا و دشمنان و حاسدان حفظ کن» (مجلسی، ۲۳۸/۹۹؛ خزعلی، موسوعة الامام العسکری، ۴۵۰/۳) امام هادی 7 نیز به دنبال ستم و اهانتی که از طرف متوکل نسبت به او روا شد، دعایی انشا کرد که آشکارا جنبه سیاسی داشت. وی در «دعاء المظلوم علی الظالم» از خداوند بر ضد ستم ستمکاران و جباران استمداد کرد. همچنین در این دعا از میان بردن ستم به خدا واگذار شده، ولی در واقع می‌تواند هدف از آن، آگاه کردن مردم از وجود ستم و وجوه مختلف آن در جامعه باشد که این خود گامی برای از میان بردن آن است (عطاردی، مسند الامام الهادی، ۱۸۹-۱۹۰؛ جعفریان، ۵۲۴).

۱. از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری 8

## ویژگی‌های ظاهری نامه‌های ائمه

خط. در روایات بسیاری تصریح شده که مکاتبات امامان به خط خودشان بوده است (کلینی، ۱/۹۶-۱۰۲-۱۰۳، ۱۰۷، ۵۱۰)، مانند نامه امام کاظم ۷ به فتح‌بن‌عبدالله، نامه امام رضا ۷ به محمدبن‌عبید (صدوق، التوحید، ۱۰۹؛ مجلسی، ۵۶/۴). امام هادی ۷ در نامه به علی‌بن‌بلال<sup>۱</sup> (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۴۳۲؛ مجلسی، ۲۲۲/۵۰؛ خزعلی، موسوعة الامام الهادی، ۳/۱۶۰) و امام عسکری ۷ در نامه به ابراهیم‌بن‌عبده<sup>۲</sup> (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۴۸۵؛ عطاردی، مسندالامام العسکری، ۱۵۱) بر نوشتن نامه به دست خط خودشان تأکید می‌کنند و در روایت نامه‌ها، عباراتی چون «و کتبتُ بِخَطِّی»، «فَوَقَّعَ بِخَطِّهِ» یا «فَوَقَّعَ بِخَطِّ اَعْرَفُهُ» دیده‌می‌شود (عطاردی، مسندالامام العسکری، ۱۵۳). امام عسکری ۷ در یکی از نامه‌های خود، توصیه می‌کند که به خط امام خود نباید تردید کرد (کلینی، ۵۱۳). گاهی نیز امامان : بر یاران یا کاتبان یا وکلای خویش املا می‌کردند، مانند املا کردن پاسخ نامه اهل قم بر کاتب احمدبن‌ابراهیم نوبختی توسط امام زمان علیه‌السلام (طوسی، الغیبة، ۲۴۲-۲۴۳؛ مجلسی، ۲۳۷/۱۳)، یا نامه امام کاظم ۷ به یحیی‌بن‌بکر حضرمی (مجلسی، ۲۱/۹۵؛ احمدی میانجی، ۴/۶۲)، یا نامه امام رضا ۷ به احمدبن‌محمدبن‌ابی نصر بنزلی (صدوق، التوحید، ۳۳۸؛ صدوق، عیون اخبارالرضا، ۱/۱۴۴؛ احمدی میانجی، ۵/۲۹) و نامه امام هادی ۷ به ابوعمروالحذاء با دست خط علی‌بن‌مهزیار (کلینی، ۳۱۶/۵؛ حر عاملی، ۱۷/۶۴؛ فیض کاشانی، ۱۰۶/۱۷؛ مجلسی، ۳۲۸/۸۹، ۲۹۵/۹۲). امام زمان علیه‌السلام نیز به سبب شکاکیت فراوان در امر امامت پس از امام عسکری ۷، به همان خطی که در دوره زندگانی پدر، نامه‌ها نوشته‌می‌شد تویق می‌نوشت (طوسی، الغیبة، ۲۲۳). در اغلب نامه‌ها، به خط رقاع<sup>۳</sup> برخورد می‌شود. ذکر چنین خطی در نامه‌های امام جواد ۷ تا امام مهدی علیه‌السلام دیده می‌شود.

**کاغذ و خاتم امامان شیعه.** کاغذ نامه‌ها، با توجه به شکل و جنس و اندازه آن، نام‌های متفاوتی دارد. در نامه‌های امام کاظم ۷ از قرطاس<sup>۴</sup> و الواح؛ در نامه‌های امام رضا ۷ از قرطاس،

۱. از اصحاب امام جواد امام هادی ۸

۲. از اصحاب امام حسن عسکری ۷

۳. خط رقاع بر اثر نیاز به تندنویسی و مختصرنوشتن، در مکاتبات به‌کار می‌رفته است و اغلب بر کاغذهایی در ابعاد کوچک نوشته می‌شده که به آن مرقع می‌گویند. این خط از ترکیب و تغییر دو خط نسخ و ثلث ایجاد شده است و شباهت بسیار زیادی به خط تویق دارد که بیشتر برای امضا کردن آثار به‌کار می‌رفت (راهجیری، ۶۷).

۴. ذکر قرطاسی که مفرد آن قرطاس است در قرآن کریم به معنای کاغذ آمده است. (انعام/۷-۹۱) قرطاس کلمه یونانی است مشتق از کارتس یعنی چیزی که بر آن می‌نویسند و معادل آن در عربی ورقه و صحیفه است. مسلمین اوراق پاپیروس را در اوایل شروع تاریخ خود از مصریان اقتباس و در نوشتن از آنها استفاده کردند (قرشی بنایی، ۳۰۷/۵؛ راغب اصفهانی، ۴/۱۷۰).

صحیفه<sup>۱</sup>، طومار<sup>۲</sup>؛ در نامه‌های امام جواد 7 از قرطاس و مرقع یاد شده است. سایر ائمه نیز تا امام زمان علیه السلام نیز بنا بر روایات بر قرطاس می‌نوشته‌اند. مهر پیامبر 9 نقش «محمد رسول الله» داشت که در هر سطر یکی از اجزای سه‌گانه این عنوان به چشم می‌خورد (فروخ، ۱۴۵). نامه‌ها به دلیل محتوای محرمانه یا علل سیاسی سربه مهر بوده است. گاه مهری بر نامه می‌چسباندند که تنها مخاطب نامه می‌بایست آن را از روی کاغذ بردارد، مانند نامه امام رضا 7 از مکه به امام جواد 7 در مدینه (راوندی، ۳۷۲/۱؛ اربلی، ۳۶۵/۲؛ مجلسی، ۴۶/۵۰).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۸۴

جملاتی که بر خاتم امامان نقش می‌بست، حاکی از شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه بود. بارزترین نمونه، خاتم حضرت مهدی علیه السلام است. آن حضرت در شرایطی به امامت رسید که امامتش پس از امام عسکری 7 از سوی خلیفه انکار می‌شد و هم از سوی فرق منشعب شیعه مورد تردید و انکار قرار داشت؛ از این رو جمله خاتم حضرت چنین بود: "من حجت خدایم" (عاملی، ۴۴/۲). بیشترین تأکید این جملات بر این بود که خدا بالاترین قدرت است که حکمرانی از آن اوست. خاتم امام کاظم 7 حسبی الله (کلینی، ۴۷۳/۶؛ صدوق، امالی، ۴۵۶؛ حر عاملی، ۴۱۰/۳) و الملک لله وحده (صدوق، امالی، ۳۷۱؛ همو، التوحید، ۵۹/۲) بود. خاتم امام رضا 7 «ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله» (کلینی، ۴۷۳/۶؛ عاملی، ۱۳/۲) بود. خاتم امام جواد 7 «نعم القادر الله» (عاملی، ۳۲/۲؛ مجلسی، ۱۵/۵۰؛ عطاردی، مسند الامام الجواد، ۱۷) بود. خاتم امام هادی 7 «الله ربی و هو عصمتی من خلقه» (ابن صباغ، ۲۷۷؛ خزعلی، موسوعة الامام الهادی، ۳۷۷/۱) بود. خاتم امام حسن عسکری 7 «ان الله شهيد» (ابن صباغ، ۲۳۸؛ عطاردی، مسند الامام العسکری، ۱۴) یا «سبحان من له مقاليد السموات و الارض» (عاملی، ۴۰/۲) بود.

### ویژگی‌های ادبی نامه‌ها

نامه امام زمان علیه السلام به برخی از شیعیان که بر سر جانشینی امام عسکری 7 اختلاف داشتند مملو از جملاتی حاوی مفهوم استفهام انکاری است، مانند نامه به احمد بن محمد بن مطه (مجلسی، ۲۷۴/۴۹؛ عطاردی، مسند الامام العسکری، ۱۱۹). در زمان امام رضا 7 تا حدودی شیعیان از

۱. مُصْحَف، واژه‌ای عربی، به معنای نوشته‌هایی است که در یک مجلد جای گرفته است. مصحف به معنای کتاب و کتاب آسمانی به کار می‌رود. مصحف همچنین از نام‌های قرآن است. در ادبیات فارسی نیز مصحف گاه مترادف با قرآن به کار رفته است (خرمشاهی، ۲۰۶۵/۲).

۲. طومار، کاغذ نوشته است که عربی شده واژه‌ای یونانی و به معنای نامه، کتاب، دفتر، صحیفه، مکتوب، نوشته دراز، نوشته لوله کرده است. در دوره‌های اسلامی نیز بسیاری از مکتوبات را بر روی کاغذهایی می‌نوشتند که از جانب طول بهم متصل می‌شدند و آنها را مانند کتاب‌های خطی آراسته و تذهیب می‌کردند (قلیچ خانی، ذیل "طومار").

آزادی سیاسی برخوردار شدند اما پس از وفات اماممجدداً خفقان سیاسی و فشار بر علویان و شیعیان از سر گرفته شد. به همین سبب امامان : در نامه‌های خود، اغلب از کنایات و جملات غیرمستقیم بهره می‌بردند، مانند عبارت جنود ابلیس در نامه امام عسکری 7 به رجاء بن یحیی بن سامان<sup>۱</sup> که کنایه از فرقه‌های ضاله است (مجلسی، ۲۷/۸۱). ائمه : به دلیل اوضاع سیاسی و نیاز به تقیه و پنهان کردن محتویات مکاتبات و نیز آگاهی امام بر نفوس و حقیقت امور، از عبارات رمزی در نامه‌ها استفاده می‌کرده‌اند، مانند "فلان کذا و فلان" در نامه امام کاظم 7 به حسین بن مختار (کلینی، ۳۱۲/۱؛ مفید، ۲۵۰/۲؛ طوسی، الغیبة، ۳۷) یا "بکذا و کذا" در نامه علی بن سلیمان به امام عسکری 7 (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲۲۸/۷؛ عاملی، ۹۳/۱۸)، یا نامه امام جواد 7 به ابن اورمه (راوندی، ۳۸۶/۱؛ مجلسی، ۵۲/۵۰).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۸۵

اختناق حاکم سبب شده بود تا امامان : از نام مستعار در نامه‌های خود استفاده کنند. امام زمان علیه السلام در توقیعی به محمد بن عثمان نوشت که لعنت خدا بر کسی باد که در میان جمیع مردم مرا به اسم بخواند (طبرسی، ۲۷۰/۲). همچنین امام حسن عسکری 7 همواره به یاران خود تأکید داشتند که از امام زمان علیه السلام تنها با عنوان «الحجة من آل محمد» یاد کنند (اربلی، ۴۴۹/۲). وکلای ائمه : نیز جهت مخفی ماندن از عمال حاکمیت از نام مستعار استفاده می‌کردند. حفص بن عمر عمری نام مستعار عثمان بن سعید وکیل امام زمان علیه السلام بوده که در دیدارهای پنهانی خود با سایر وکلا استفاده می‌کرده است (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۵۳۲).

## نتیجه

نامه‌نگاری از زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از آن در دوران تمامی امامان شیعه : رواج داشته است و با آغاز عصر تقیه یعنی از زمان امام کاظم 7 به بعد، به اصلی‌ترین شیوه انتقال مفاهیم و آموزه‌های دینی مبدل شد. وضع سیاسی جامعه، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نامه‌نگاری و چگونگی اسلوب آن از سوی امامان شیعه : می‌باشد. با آغاز عصر تقیه، هرچه میزان فشارهای سیاسی موجود بر شیعیان بیشتر می‌شد، امامان به میزان بیشتری به ایجاز در نامه‌نگاری روی می‌بردند. کاربرد کنایات و اسامی استعاره‌ای نیز به همین دلیل بوده است. به عبارت دیگر در دوره مورد بحث عدم امنیت سیاسی است که بر روند فرهنگ نگارشی تأثیر گذاشته است؛ یعنی از سویی با فضای ناامن سیاسی برای شیعیان، ایجاز و استعاره‌گویی در بین آنان رواج می‌یابد و از سوی دیگر ائمه در نگارش، ارسال و نگهداری نامه بنا به ملاحظات سیاسی کمال مراقبت را داشته‌اند که حاکمیت و دشمنان شیعیان از محتوای این نامه‌ها مطلع نشوند. همچنین ائمه در نگارش

۱. از اصحاب امام هادی 7 و امام حسن عسکری 7

نامه همواره از طریق استناد به سخنان پیامبر 9 و آیات قرآن بر حقانیت خاندان عصمت تأکید می‌کردند. پاسخ‌گویی امامان به ناگفته‌های ذهنی افراد، اشراف بر نامه‌ها پیش از قرائت و پاسخ‌های غیرمستقیمشان، همگی حاکی از دانش الهی و منحصر به فرد آنان بوده است.

---

**پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع**

---

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۸۶



## منابع

- قرآن کریم
- ابن صباغ مالکی، فصول المهمه فی معرفة الائمه (ع)، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹ ش.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمه (ع)، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمه، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱.
- برقی، احمد بن محمد، رجال برقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه قم، انصاریان، ۱۳۸۷ ش.
- حرانی، علی بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹.
- خرمشاهی، قوام الدین، «مصحف»، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بکوشش بهاء الدین خرمشاهی، تهران، ناهید، ۱۳۷۷ ش.
- خزعلی، ابوالقاسم، موسوعة الامام العسکری (ع)، قم، مؤسسه ولی عصر، ۱۴۲۶.
- \_\_\_\_\_، موسوعة الامام الهادی (ع)، قم، مؤسسه ولی عصر (عج)، ۱۴۲۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام المهدی، ۱۴۰۹.
- راهجیری، علی، تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، تهران، بی نا، ۱۳۴۹.
- صدوق، محمد بن علی، امالی، تهران، نشر کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- \_\_\_\_\_، التوحید، تهران، نشر مکتبه الصدوق، ۱۳۷۸ ش.
- \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا (ع)، قم، علمیه اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵.
- \_\_\_\_\_، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴.

## پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

۸۷

- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۷.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الغیبة، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.
- \_\_\_\_\_، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
- \_\_\_\_\_، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹.
- \_\_\_\_\_، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- عاملی، سید محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳.
- عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الجواد (ع)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰.
- \_\_\_\_\_، مسند الامام العسکری (ع)، بیروت، دارالصفوة، ۱۴۱۳.
- \_\_\_\_\_، مسند الامام الهادی (ع)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۰.
- فاخوری، حنا، الجامع فی تاریخ العرب، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۰ ش.
- فروخ، عمر، العرب فی حضارتهم و ثقافتهم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۰۰ م.
- فیض کاشانی، محمد بن محمد بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
- قلیچ خانی، حمیدرضا، فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، تهران، روزنه، ۱۳۸۸ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، انصاریان، ۱۴۲۶.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۷۶.
- ناظم، احمد، سیر بحث امامت در نامه های انمه، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات تاریخ تشیع، استاد راهنما: نعمت الله صفری فروشانی، دانشکده شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ۱۳۹۳ ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷.

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۱،  
بهار ۱۳۹۶

